

ویژگی‌های فساد در جمهوری اسلامی

رضا سپیدرودی

فساد در جمهوری اسلامی پدیده‌ای ناشناخته نیست. هر روز خبرهای تازه‌ای از چنگ اندازی بر این یا آن بخش از ثروت‌های ملی کشور از سوی باندهای مافیایی حاکم پخش می‌شود. اخیراً فاش شده است که بنیاد الزهرا متعلق به هاشمی رفسنجانی، جنتی، رئیس شورای نگهبان و محمد یزدی رئیس سابق قوه قضاییه است و این بنیاد پس از خرید کارخانه شکلات‌سازی مینو در سال جاری ۶ میلیارد تومان سود برده است. کارخانه‌های مهرام، چسب رازی، لاستیک دنا و کارخانه مینو تحت کنترل این "بنیاد" است. ماجرای اختلاس ۵۵ میلیارد تومانی در وزارت بازرگانی، ماجرای اختلاس ۱۰۰ میلیارد تومانی ناصر واعظ طبسی، و ماجرای پرونده شهرام جزایری برخی دیگر از نمونه‌های فساد در جمهوری اسلامی است. در مورد دلایل مسکوت ماندن پرونده شهرام جزایری که در آن پای ۵۰ روحانی بلندپایه حکومتی در فساد مالی به میان کشیده شده بود به اعترافات وی در دادگاه غیرعلنی اشاره می‌شود که در آن وی گویا از مشارکت بلندپایگان حکومتی در قاچاق دختران جوان ایرانی و فروش آنها به شیوخ ثروتمند در کشورهای حاشیه خلیج فارس و شرکتی که به همین منظور در دوبی تأسیس کرده بود، پرده برداشت. جمهوری اسلامی اکنون تجسم بارز فساد است. در حقیقت کنترل انحصاری قدرت در یک کشور نفتی و ایجاد نظامی تاریک‌اندیش، نابهنگام و قانون‌ستیز نتیجه‌ای جز آن چه اکنون شاهد آن هستیم یعنی لجام‌گسیختگی فساد نمی‌توانسته است داشته باشد. همیشه و همه جا وقتی قدرت در دست اقلیتی صاحب امتیاز قرار می‌گیرد، فساد اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. این قاعده عامی است که همه نظام‌های پاسدار بهره‌کشی اقلیت صاحب امتیاز را دربرمی‌گیرد. با این حال فساد در جمهوری اسلامی از ویژگی‌هایی برخوردار است که آن را از سرمایه‌داری‌های مدرن جدا می‌کند.

مهم‌ترین ویژگی فساد در جمهوری اسلامی تعدد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری در توزیع رانت است. در نظام‌های سرمایه‌داری مدرن نوعی وحدت دولت و مالیه حاکم است. بودجه عمومی در چهارچوب سیاست توسعه دولت میان نهادها و موسسات تابعه تقسیم می‌شود و سواستفاده از قدرت غالباً نتیجه فقدان نهادهای نیرومند نظارتی و حسابرسی در کنترل بر نحوه مصرف بودجه است. در حالی که در جمهوری اسلامی روز روشن میلیون‌ها تن ورق فولاد از مبادی ورودی گمرکی به داخل کشور قاچاق می‌شود و یا در پیکره‌ای به وسعت تمام استان‌های کشور بیش از ۱۰۰۰ تن گوشت آلوده توزیع می‌شود و وقتی از سخنگوی دولت می‌پرسند کدام نهاد متولی قاچاق گوشت آلوده است، پاسخ می‌دهد که دولت اطلاع ندارد. ناتوانی دولت از ایجاد حداقل تمرکز در زمینه نظام عمومی توزیع امتیازات، در زمینه حسابرسی، در توزیع بودجه، در واردات و صادرات، در آموزش و پرورش، در بهداشت و درمان، در فرهنگ و هنر، و در زمینه ساختار حقوقی و قضایی، عملاً دولت جمهوری اسلامی را به دولت‌های پیشاسرمایه‌داری شبیه ساخته است. در نتیجه فقدان حداقل تمرکز، رانت خواری بیش از پیش خصلت ملوک الطوائفی به خود گرفته است و باندهای حکومتی بسته به نزدیکی به مراجع اصلی قدرت از خوان یغما بهره می‌برند.

از ویژگی‌های دولت‌های مدرن سرمایه‌داری تفکیک بخش‌های مختلف سرمایه (و نه فقط سرمایه) و قوانین ناظر بر کار سرمایه‌هاست و ادغام انواع سرمایه‌ها نیز بر پایه‌های مدون حقوقی استوار است. این عامل به حفظ وحدت عمومی دولت به مثابه کارگزار منافع عمومی طبقه اقلیت

صاحب امتیاز جامعه کمک می کند. وجود این قوانین تضمینی است برای جلوگیری از حاد شدن شکاف میان انواع گرایشات سهم خواهانه اقلیت صاحب امتیاز جامعه و چهارچوبی که قواعد بازی میان آنها را تعیین می کند. در حالی که در جمهوری اسلامی که بر بنیاد توحش یعنی بر برتری فرمانروا بر قانون استوار است، تفکیک قوا و قوانین ناظر بر رابطه میان قوای منفک عملاً به شیوه ای بدوی بی معنا شده است؛ مثلاً قوه قضاییه وزارت اطلاعات خصوصی خود را دارد و عملاً تا حدی قوه مجریه هم هست، سازمان تبلیغات اسلامی که ظاهراً وظیفه اش باید تبلیغ روایت حکومتی از اسلام باشد، وارد کننده چای خارجی است، بنیادهای سرفک کشیده هم خصوصی اند، هم دولتی، نه خصوصی اند، نه دولتی. از بودجه عمومی سهم می برند، اما مالیات نمی دهند، هر جا بخواهند به اخراج و بازخريد کارگران دست می زنند و عملاً مشمول قانون کار هم نیستند. هیچ نظارت و حسابرسی بر نحوه توزیع بودجه اعمال نمی شود، یا مثلاً در عرصه ساماندهی آسیب های اجتماعی، سازمان بهزیستی با کمیته امداد خمینی و شهرداری ها با هم در فرار از مسئولیت مقابله با آسیب ها درگیرند.

فساد در دولت های مدرن محصول واپس زدن دائمی گرایش عمومی اجتماعی به تسری دموکراسی از حوزه سیاسی به اقتصادی و از حوزه آزادی های دموکراتیک به حوزه حقوق دموکراتیک، است؛ کاری که از طریق بروکراسی حاکم و غالباً به شیوه ای متمرکز اما غیر مستقیم صورت می گیرد. در رژیم اسلامی نه حداقلی از آزادی های سیاسی و نه حداقلی از حقوق دموکراتیک وجود ندارد. نه نهادهای انتخابی تحت تاثیر قوانین کنترل اجتماعی قرار دارند، نه نهادهای غیرانتخابی و نه اصولاً جایی برای چنین قوانینی هست.

میان اشکال فساد و ساختارهای قدرت رابطه متقابلی وجود دارد: هر چه قدرت بخش عمومی فزاینده تر، نهادهای نظارتی جامعه مدنی شکل یافته تر و قدرتمندتر، آزادی مطبوعات گسترده تر و سیستم حقوقی جا افتاده تر باشد، فساد کمتر است. اما در نظام مبتنی بر ولایت فقیه هیچ یک از این مختصات وجود ندارد و بنابراین است که شاهدیم فساد از همه منافع این نظام از صدر تا ذیل آن بیرون می زند. از ویژگی های فساد در جمهوری اسلامی وجود یک بورژوازی ممتاز به بی نهایت حریص و غارتگر و دارای پیوندهای عمیق با دستگاه ولایت است که زیر چتر ولایت فقیه به غارت بی رویه ثروت ملی مشغول است. برای مقابله با فساد در ایران پیش از همه باید نظام جمهوری اسلامی را برانداخت.